

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی

گروه آموزشی روانشناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی روانشناسی گرایش عمومی

عنوان:

مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در زنان متقاضی طلاق و عادی

استاد راهنما:

دکتر نادر حاجلو

دکتر اوشا برهمند

استاد مشاور:

دکتر محمد نریمانی

پژوهشگر:

الهام رضایی

تیرماه ۹۳

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب الهام رضایی دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی گرایش عمومی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۱۱۱۱۵۳۱۰۵ که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۶ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در زنان متقاضی طلاق و عادی دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: الهام رضایی

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی
گروه آموزشی روانشناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روانشناسی گرایش عمومی

عنوان:

مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در زنان متقاضی طلاق و عادی

پژوهشگر:

اله‌ام رضایی

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی

امضاء	سمت	مرتب‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	دکتر نادر حاجلو دکتر اوشا برهمند
	استاد مشاور	استاد	دکتر محمد نریمانی
	داور	استادیار	دکتر عباس ابوالقاسمی

تیرماه ۹۳

تقدیم:

به پدر و مادر عزیزم

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار، و از خودگذشتگی شان.

و به:

روان پاک خواهرم

او که دیگر دستان گرمش را احساس نخواهم کرد

در من خواهد زیست

و یادش، هستی، بخش زندگی ام است.

تقدیر و شکر

« حمد و ستایش آموزگار خلقت را که این میسر نبود مگر به توفیقش »

به مصداق « من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق » از زحمات استاد فرهیخته ام جناب آقای دکتر حاجعلو که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی از پوچ کلی در این عرصه بر

من دریغ نمودند و همچنین خانم دکتر اوشا بر بمند که زحمت راهبانی این رساله را بر عهده گرفتند شکر می‌نمایم.

و نیز سپاس از دوستان عزیزم بخصوص خانوم فاطمه قربانی که در انجام این تحقیق از راهبانی‌های بی‌دریغشان بهره گرفته‌ام و به وجودشان افتخار می‌کنم.

بادا که در مسیر زندگی‌شان لطف بی‌کران الهی همواره یاری‌گرشان باشد.

نام خانوادگی دانشجو: رضایی	نام: الهام
عنوان پایان‌نامه: مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در زنان متقاضی طلاق و عادی	
استاد راهنما: دکتر نادر حاجلو، دکتر اوشا برهمند استاد مشاور: دکتر محمد نریمانی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: روانشناسی
گرایش: عمومی	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۰۴/۱۶
	تعداد صفحات: ۹۲
چکیده:	
<p>هدف این مطالعه مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در زنان متقاضی طلاق و عادی ساکن شهر اردبیل بود. روش این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری نیز کلیه زنان متقاضی طلاق و عادی شهر اردبیل در سال ۹۳-۹۲ بودند. از این جامعه، ۵۰ نفر زن (۲۵ زن متقاضی طلاق و ۲۵ زن عادی) با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف، اضطراب اجتماعی لایبویتز و پرسشنامه خشم چندبعدی سیگل استفاده شد. اطلاعات بدست آمده، با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین زنان متقاضی طلاق و عادی از لحاظ بهزیستی ذهنی، اضطراب اجتماعی و خشم تفاوت معناداری وجود دارد و زنان عادی از پذیرش خود، روابط مثبت، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی بیشتری نسبت به زنان متقاضی طلاق برخوردارند، اما در مولفه‌ی خودمختاری این تفاوت معنادار نشد. و ترس از ارزیابی منفی و اجتناب اجتماعی در زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی بود همچنین انگیزتگی خشم، نگرش خصمانه، خشم بیرونی و خشم درونی زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی گزارش شد. اما در مولفه موقعیت‌های فراخوان خشم این تفاوت معنا دار نشد. نتایج این تحقیق نشان داد که زنان در قبال وضعیت زندگی زناشویی نابسامان احساس درماندگی کرده و اضطراب اجتماعی و خشم بیشتری را تجربه می‌کنند در نتیجه این عوامل منجر به پایین آمدن بهزیستی روانی در این زنان می‌شود.</p>	
کلید واژه‌ها: بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی، خشم، زنان متقاضی طلاق	

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- مقدمه..... ۲
- ۲-۱- بیان مساله ۴
- ۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش..... ۷
- ۴-۱- متغیرهای پژوهشی..... ۸
- ۵-۱- اهداف پژوهشی..... ۸
- ۶-۱- فرضیه های پژوهشی..... ۹
- ۷-۱- تعاریف نظری و عملیاتی..... ۱۰

فصل دوم مبانی نظری و پیشینه پژوهش

- ۱-۲- مبانی نظری طلاق..... ۱۴
- ۱-۱-۲- تعریف طلاق..... ۱۴
- ۲-۱-۲- تئوری های طلاق..... ۱۴
- ۳-۱-۲- نظریه کارکرد گرایی..... ۱۴
- ۴-۱-۲- نظریه همسان همسری ۱۵
- ۵-۱-۲- نظریه شبکه..... ۱۶
- ۶-۱-۲- نظریه مبادله اجتماعی..... ۱۷
- ۷-۱-۲- جمع بندی چارچوب نظری..... ۱۸
- ۸-۱-۲- دیدگاه های گوناگون درمورد پی آمدها و مراحل طلاق..... ۲۰
- ۲-۲- بهزیستی روانشناختی..... ۲۵

- ۲۷..... ۱-۲-۲- مولفه های بهزیستی روانی
- ۲۸..... ۲-۲-۲- مدل بهزیستی روانشناختی ریف
- ۳۰..... ۳-۲- اضطراب اجتماعی
- ۳۰..... ۱-۳-۲- اضطراب
- ۳۰..... ۲-۳-۲- اجزای اضطراب
- ۳۱..... ۳-۳-۲- انواع اضطراب
- ۳۲..... ۴-۳-۲- سبب شناسی
- ۳۵..... ۵-۳-۲- دیدگاه های نظری
- ۳۶..... ۶-۳-۲- فروید
- ۳۷..... ۷-۳-۲- ملانی کلاین
- ۳۸..... ۸-۳-۲- سالیوان
- ۳۸..... ۹-۳-۲- بالبی
- ۴۰..... ۱۰-۳-۲- کاهش اضطراب
- ۴۱..... ۴-۲- خشم
- ۴۳..... ۱-۴-۲- بعدفیزیولوژیک خشم
- ۴۴..... ۲-۴-۲- بعد شناختی خشم
- ۴۴..... ۳-۴-۲- مؤلفه کارکردی خشم
- ۴۵..... ۴-۴-۲- مؤلفه رفتاری خشم
- ۴۶..... ۵-۴-۲- کنترل خشم، بازداری یا سرکوب
- ۵۰..... ۵-۲- پیشینه پژوهشی تحقیق

فصل سوم روش اجرا

- ۳-۱- روش تحقیق..... ۵۶
- ۳-۲- جامعه آماری..... ۵۶
- ۳-۳- نمونه و روش نمونه ۵۶
- ۳-۴- روش تجزیه و تحلیل آماری..... ۵۷
- ۳-۵- شیوه اجرای تحقیق..... ۵۷
- ۳-۶- ابزار پژوهشی..... ۵۷

فصل چهارم یافته های پژوهش

- ۴-۲- یافته های مربوط به فرضیه ها..... ۶۲

فصل پنجم

- مقدمه..... ۷۱
- بحث و نتیجه گیری..... ۷۱
- محدودیت ها..... ۷۹
- پیشنهادها..... ۷۹

منابع

- منابع فارسی..... ۸۱
- منابع انگلیسی..... ۸۴
- پیوست ها و ضمائم..... ۹۳

فهرست جداول

- جدول ۴-۱. توزیع فراوانی زنان متقاضی طلاق و عادی بر اساس میزان تحصیلات..... ۶۲
- جدول ۴-۲. توزیع فراوانی زنان متقاضی طلاق و عادی بر اساس مدت ازدواج..... ۶۳
- جدول ۴-۳. شاخص‌های بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم در نمونه مورد مطالعه..... ۶۳
- جدول ۴-۴. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره بهزیستی روانی بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان... ۶۵
- جدول ۴-۵. خلاصه نتایج تحلیل واریانس‌های تک متغیره بهزیستی روانی بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۶
- جدول ۴-۶. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره بهزیستی روانی بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۷
- جدول ۴-۷. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره اضطراب اجتماعی بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۸
- جدول ۴-۸. خلاصه نتایج تحلیل واریانس‌های تک متغیره اضطراب اجتماعی بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۸
- جدول ۴-۹. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره خشم بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۸
- جدول ۴-۱۰. خلاصه نتایج تحلیل واریانس‌های تک متغیره خشم بر اساس وضعیت زندگی زناشویی زنان..... ۶۹

فصل اول

کلیات پژوهش

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶)، روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیش تری برخوردار است (اعزازی، ۱۳۸۷). همه مصلحین بر خانواده و اهمیت حیاتی آن بر جامعه تاکید کرده اند و هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند (ساروخانی، ۱۳۷۵). در واقع خانواده را باید سنگ زیر بنای جامعه و کانون اصلی سنت، رسوم و ارزش های والا و مورد احترام و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر، اندیشه، اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد. خانواده نه تنها محل تامین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است، بلکه مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز هست و از آنجا که سلامت و بالندگی جامعه در گرو رشد و سلامت خانواده است هیچ یک از آسیب های اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده پدید نیامده است (ساروخانی، ۱۳۷۰؛ به نقل از سالاری فر، ۱۳۸۸). بنابراین از آنجا که خانواده مهم ترین نهاد جامعه است و منشاء جامعه سالم، خانواده سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکرد های آن، از امور مهم و شایسته کنکاش می باشد.

یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است؛ طلاق انحلال یک ازدواج رسمی و در زمانی است که طرفین آن هنوز در قید حیات اند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند. به بیان دیگر، طلاق شیوه ی نهادی شده اختیاری پایان یک ازدواج است (کوپر^۱، ۱۹۹۸).

^۱.Cooper

کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می کند: اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی و بی میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهر های طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهر ها و درگیری ها، طلاق عاطفی، طلاق قانونی (محمدی، ۱۳۸۳) از آثار مهم و منفی طلاق تاثیرات روانشناختی آن بر زنان مطلقه می باشد. به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامت افراد جامعه را تهدید میکند در این میان می توان به احساس ذهنی بهزیستی یا رضایت از زندگی که ارزیابی شناختی (قضاوت کلی در مورد رضایت از زندگی) و عاطفی (تجربه ی هیجانات خوشایند و ناخوشایند) مردم را در بر می گیرد اشاره کرد که با طلاق و پیامدهای آن مرتبط است. احساس خرسندی و رضایت از زندگی از مولفه های نگرش مثبت افراد به جهانی است که در آن زندگی می کنند. رضایت از زندگی با ارزشها ارتباطی نزدیک اما پیچیده دارد، در واقع تجربه ی شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به شمار می رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف شمرده می شود (آناس^۱، به نقل از لاگین وهیوبنر^۲، ۲۰۰۱). یکی دیگر از متغیرهایی که می تواند به شکل منفی تحت تاثیر زندگی زناشویی نابسامان و طلاق قرار گیرد، اضطراب اجتماعی زنان متقاضی طلاق است. طلاق که از مهمترین پدیده های حیات انسان تلقی می شود دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و ابعاد جامعه انسانی است و می تواند عواقب وخیم روانی و اجتماعی ایجاد کند. که ایجاد افسردگی، اضطراب و حتی رفتار های پرخاشگرانه را می توان نام برد. اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه ی هراس که در موقعیتهای میان فردی یا عملکردی ایجاد می شود اطلاق می شود افراد دارای اضطراب اجتماعی بالا از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک اند. خشم به عنوان هیجانی بنیادین (آتلی^۳، ۱۹۹۲) با تهدید و ارزیابی منفی مرتبط است.

^۱. Annes

^۲. Laughin & Huebner

^۳. Otley

پاسخهای فیزیولوژیک را فعال می‌سازد و تمایلات رفتاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد (آوریل^۱ ۱۹۸۳؛ اسپیلبرگر، کرین، کارنس، پلگرین و ریکمن؛ ۱۹۹۱). خشم معمولا با باورهای مربوط به تصدیق خود و سرزنش دیگران همراه است (آوریل، ۱۹۸۳؛ فریدا، ۱۹۸۶). هدف این پژوهش مقایسه بهزیستی روانی، اضطراب اجتماعی و خشم زنان متقاضی طلاق و زنان عادی می‌باشد.

۱-۲- بیان مسئله :

طلاق عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه، یعنی خانواده و یکی از فقدانهای عمده زندگی خانوادگی است. طلاق بعد از مرگ همسر، نیازمند بیشترین تغییر برای سازگاری مجدد در افراد مبتلاست (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). جدایی و طلاق برای تمام اعضای خانواده استرس بزرگی محسوب می‌شود و ممکن است منجر به واکنشهای سازگاری کوتاه مدت و بلند مدت شود. تجربه ی طلاق سازگاری زوجین و فرزندان آنها را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (پرتز، اسمیت، براون، ۲۰۰۲).

براساس آمار کشورهای مختلف از جمله ایران میزان طلاق روز به روز در حال افزایش است با توجه به آمارهای موجود تعداد زیادی از افراد مطلقه ازدواج مجددی نخواهند داشت و عده ای از این افراد با طلاق و مسائل پس از آن می‌توانند سازگار شوند و عده ای هم نمی‌توانند.

از آثار مهم و منفی طلاق تاثیرات روانشناختی آن بر زنان مطلقه می‌باشد. اکثر مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که آثار سوء طلاق در مورد زنان بیشتر از مردان است (امینی، ۱۳۷۹) و امروزه تعداد زنانی که همسر خود را بر اثر طلاق از دست داده اند رو به افزایش است و به دنبال آن خلاء عاطفی، استرسهای روانی و گاهی معیشت خانواده مشکلاتی است که این زنان با آن دست به گریبانند (حفاریان، ۱۳۸۶). به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای

¹.Averril

².Portes,Smith& Brown

آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامت افراد جامعه را تهدید میکند در این میان می توان به پیامد های طلاق بر زنان مطلقه توجه نمود.

تحقیقات در ایران و در کشورهای مختلف نشان می دهد که زنان درگیر طلاق دچار علائم بسیار زیادی همچون افسردگی، گوشه گیری، احساس ناامیدی و یاس، عدم مسئولیت پذیری، ضعف روانی و تمایل به بیماری روانی همچون افسردگی شدید، حالات هیستریک، خودبیمارانگاری و یا هذیان بدبینی باعث از هم گسیختگی این قبیل زنان شود (امینی ۱۳۷۹). برک^۱ (۱۹۹۸) معتقد است افرادی که طلاق را تجربه کرده اند با کشمکشهای متعدد فردی و بین فردی مواجه هستند. در این فرایند هویت آشفته، فقدان امید، تغییر در سبک زندگی، مشکلات جدی در شبکه اجتماعی و شغلی از پیامد های طلاق هستند که از آن میان ابعاد روانشناختی طلاق از اهمیت بیشتری برخوردارند. همچنین کوپر^۲ (۲۰۰۱) بیان می کند که در درمان زوجهای طلاق گرفته بایستی به اضطراب، افسردگی، سوءمصرف مواد و تعارض های اجتماعی آنها توجه کرد. از این رو شاید بتوان گفت مهمترین تأثیری که طلاق بر زوجین می گذارد اثرات روانشناختی آن است که مواردی از قبیل افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی را شامل می شود (آمانو^۳، ۱۹۹۸؛ به نقل از رفیعی، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر احساس ذهنی بهزیستی یا رضایت از زندگی که ارزیابی شناختی (قضایوت کلی درمورد رضایت از زندگی) و عاطفی (تجربه هیجانات خوشایند و ناخوشایند) مردم را دربر می گیرد حوزه ی دیگری است که با طلاق و پیامدهای آن مرتبط است. احساس خرسندی و رضایت از زندگی از مولفه های نگرش مثبت افراد به جهانی است که در آن زندگی می کنند رضایت از زندگی با ارزشها ارتباطی نزدیک اما پیچیده دارد. در واقع تجربه ی شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به شمار می رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف شمرده می شود (آناس^۴، به

^۱ . Berk

^۲ . Cooper

^۳ .Amano

^۴ .Annes

نقل از لاگین وهیوبنر^۱، ۲۰۰۱). احساس ذهنی بهزیستی یا رضایت از زندگی از چند جهت اهمیت دارد: تامین سلامت روانی، جسمانی و افزایش طول عمر، اثبات ارزش شادکامی برای انسان، اندازه گیری شاخص کیفیت زندگی در کنار شاخص های اقتصادی و اجتماعی. در واقع احساس ذهنی بهزیستی یا رضایت از زندگی بزرگترین آرزو و مهمترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد (دایتر، ساچ، لوکاس و همکاران، ۲۰۰۳).

طلاق که از مهمترین پدیده های حیات انسان تلقی می شود، دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و ابعاد جامعه انسانی است و می تواند عواقب وخیم روانی و اجتماعی ایجاد کند؛ که ایجاد افسردگی، اضطراب و حتی رفتارهای پرخطرانه را می توان نام برد. روانشناسان اجتماعی اعتقاد دارند اضطراب که عاملی مخرب و نابود کننده است از طریق یادگیری و الگوبرداری آموخته می شود و می تواند باعث کاهش رضایت از زندگی افراد باشد اضطراب اجتماعی به اضطراب یا تجربه ی هراس که در موقعیتهای میان فردی یا عملکردی ایجاد می شود اطلاق می شود. افراد دارای اضطراب اجتماعی بالا از ارزیابی منفی دیگران نسبت به خود یا انجام عملی که باعث شرمندگی شود بیمناک اند. از متغیر های دیگر که رابطه نزدیکی با مسئله طلاق و بهزیستی ذهنی می تواند داشته باشد خشم می باشد که به عنوان هیجانی بنیادین (آتلی^۲ ۱۹۹۲) با تهدید و ارزیابی منفی مرتبط است. پاسخهای فیزیولوژیک را فعال می سازد و تمایلات رفتاری را تحت تاثیر قرار می دهد (آوریل ۱۹۸۳؛ اسپیلبرگر، کرین، کارنس، پلگرین و ریکمن؛ ۱۹۹۱). خشم معمولا با باورهای مربوط به تصدیق خود و سرزنش دیگران همراه است (آوریل ۱۹۸۳؛ فریدا ۱۹۸۶). از نظر تکاملی خشم از هیجانات شایع و واکنشی متداول نسبت به ناکامی و بدرفتاری است با این حال همه ی افراد در طول عمر خود با موقعیتهای خشم برانگیز روبرو می شوند اشکال خشم این است که اگرچه بخشی از زندگی است ولی ما را از رسیدن به اهداف خود باز می دارد و علت اینکه افراد در مورد خشم دچار تعارض اند همین نکته است که از یک طرف خشم

^۱. Laughin & Huebner

^۲. Otley

پاسخ طبیعی انسان است و از سوی دیگر می تواند روابط بین فردی را مختل کند و ما را از رسیدن به اهداف خود باز دارد (کلینکه، ترجمه محمد خانی، ۱۳۸۳).

با توجه به اینکه در مورد بعد سلامت روان و بهزیستی ذهنی زنان متقاضی طلاق تحقیقات کمی در ایران صورت گرفته و نیز اکثر مشکلات و مسائل روانی که این زنان در حین طلاق و بعد از آن با آن روبرو می شوند مورد بررسی عمیق و دقیقی قرار نگرفته است، و با در نظر گرفتن این امر که تحقیقات قبلی یک نگاه کلی به بحث سلامت و بیماری این زنان داشته و کمتر به تفکیک جزئی هر یک از ابعاد سلامت و بیماری این زنان پرداخته شده و با عنایت به وجود شواهد پراکنده در خصوص تفاوت در بهزیستی ذهنی، اضطراب اجتماعی و خشم در بین زنان متقاضی طلاق و عادی و تفاوت در زیرمولفه های هر یک از این متغیرها این سوال مطرح می شود که چه تفاوتی بین بهزیستی ذهنی، اضطراب اجتماعی و خشم زنان متقاضی طلاق و عادی وجود دارد؟

۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

طلاق از آن دسته مسائل اجتماعی است که عمدتاً به نابسامانی های اجتماعی و فرهنگی و روانشناختی مربوط می شود. هر چند در اکثر جوامع طلاق روشی پذیرفته شده و نهادینه شده ای برای پایان دادن به ازدواج می باشد ولی دارای عوارض و تبعاتی است که آنرا حائز اهمیت ساخته است (عبداللهی، ۱۳۸۰). درخواست طلاق معلول همه ی تنگنایهای زندگی انسان است و لذا شناخت عوامل و پیامدهای آن از جنبه های مختلف از اولویت های جامعه محسوب می شود. شناسایی این علل و پیامدها برای تدوین و اجرای برنامه های درجهت سالم سازی محیط و اقدامات ملموس و عینی الزامی به نظر می رسد (پیشین، ۱۳۸۰). اگر دو گروه از زنان متقاضی طلاق و عادی را بتوان بر اساس بهزیستی ذهنی، اضطراب اجتماعی و خشم متمایز کرد و اثر پیوند این متغیرها را در آنها کشف کرد این یافته نه تنها یک یافته ی مهم از نظر علمی است بلکه باعث می شود جنبه های خاصی را که در ارتقاء بهزیستی ذهنی و مقابله با اضطراب اجتماعی نقش دارند برملا شوند. اگر پژوهش حاضر ما را قادر به تبیین ارتباط بین متغیرهای فوق بنماید می توان با آموزش راهبردهای مناسب موجبات ارتقاء

بهبودی ذهنی زنان متقاضی طلاق را فراهم آورده و با اضطراب و خشم ناشی از این معضل به مقابله پرداخت.

۴-۱ - متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

زنان متقاضی طلاق و زنان عادی

متغیر وابسته

۱- بهزیستی روانشناختی

۲- اضطراب اجتماعی

۳- خشم

متغیرهای کنترل

۱-جنسیت (زن)

۲-مدت ازدواج

۵-۱- اهداف پژوهشی:

هدف کلی:

۱- مقایسه بهزیستی روانی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی

۲- مقایسه اضطراب اجتماعی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی

۳- مقایسه خشم در بین زنان متقاضی طلاق و عادی

اهداف جزئی:

- ۱-۱ تعیین تفاوت خودمختاری در میان زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۱-۲ تعیین تفاوت تسلط بر محیط در میان زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۱-۳ تعیین تفاوت رشد شخصی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۱-۴ تعیین تفاوت ارتباط با دیگران در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۱-۵ تعیین تفاوت هدفمندی زندگی در میان زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۱-۶ تعیین تفاوت پذیرش خود در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۲-۱ تعیین تفاوت اجتناب اجتماعی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۲-۲ تعیین ترس از ارزشیابی منفی در میان زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۳-۱ تعیین تفاوت برانگیختگی خشم در میان زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۳-۲ تعیین تفاوت موقعیت های فراخوان خشم در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۳-۳ تعیین تفاوت نگرش خصمانه در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۳-۴ تعیین تفاوت خشم بیرونی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی
- ۳-۵ تعیین تفاوت خشم درونی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی

۱-۶- فرضیه های پژوهشی:

- ۱- زنان متقاضی طلاق در مقایسه با زنان عادی از بهزیستی روانی پایینی برخوردارند.